



برترین‌ها به انتخاب سایت اندساوند

مجله سایت اندساوند طبق معمول، امسال هم فهرستی از بهترین فیلم‌های سال را منتشر کرده است که نام «قاتلان ماه کامل» به کارگردانی مارتین اسکورسیزی در رتبه اول آن به چشم می‌خورد. فهرست فیلم‌های سال ۲۰۲۳ مجله سایت اندساوند به نقل از خودشان، منعکس کننده یکسال دستاوردهای سینمایی چشمگیر است که از فیلم‌های پر فروش هنری تا آثار درخشان در مقیاس کوچک را در برمی‌گیرد. دیگر آثار ذکر شده در این فهرست پس از «قاتلان ماه کامل»، «منطقه مورد علاقه» به کارگردانی جان تان گلیزر، «زندگی‌های گذشته» به کارگردانی سلین سونگ، «بیچارگان» به کارگردانی یورگوس لانتیموس، «اوپنهایمر» به کارگردانی کریستوفر نولان، «باربی» به کارگردانی گرتا گروبیگ، «گذرگاه‌ها» به کارگردانی آیراساکس، «آنا تومی یک سقوط» به کارگردانی ژوستین تریه، «از پایان دنیا خیلی انتظار نداشته باش» به کارگردانی رامو ژوده و «می دسامبر» به کارگردانی تادهینز هستند.



شرق مجرم شد، صراط نیوز تبرئه

سخنگوی هیئت‌منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی گفته است، مدیرمسئول روزنامه «شرق» به دلیل آن‌چه «نشر مطالب خلاف واقع در مورد حجاب» خوانده شده به اتفاق آراء، مجرم شناخته شده است. اکبر نصراللهی، اضافه کرده است: «اتهام‌های مهدی رحمانیان «نشر مطالب خلاف واقع» موضوع شکایت دادستان تهران در مورد تیتراژ نادرست «مخالفت ۸۴ درصدی با الزام زنان به رعایت حجاب» در تاریخ سوم آبان‌ماه ۱۴۰۲ است.» نصراللهی افزود: «مدیرمسئول روزنامه «شرق» در دفاعیات خود، اشتباه در تیتراژ قبول کرد و گفت، اشتباه‌ها این بود که رسانه‌های خارجی نوشتند ۸۴ درصد از پاسخگویان، با حجاب مخالف هستند در صورتی که ۸۴ درصد از مخاطبان شرق در نظرخواهی این روزنامه با اظهارات خانم زهره سادات لاجوردی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در مورد «تأثیر قانون احتمالی عفاف و حجاب بر وضعیت حجاب زنان» مخالف هستند، نه با الزام زنان به رعایت حجاب.»



نسخه ویتنامی «ملبورن» ساخته می‌شود

نیما جاویدی پس از موفقیت‌های جهانی اش در سریال «آکتور»، حالا با پیشنهاد تازه‌ای مواجه شده است. یک کمپانی ویتنامی حق ریمیک (بازسازی) فیلمنامه «ملبورن»، نوشته نیما جاویدی را خریده و هم‌اکنون مشغول بازسازی این فیلم با بازیگران ویتنامی است. «ملبورن»، اولین فیلم نیما جاویدی به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی و با بازی پیمان معادی و نگار جواهریان با حضور در بیش از ۹۰ فستیوال بین‌المللی و کسب ۱۴ جایزه بین‌المللی، جزو موفق‌ترین فیلم‌های سینمای ایران در حوزه بین‌الملل در دهه ۹۰ بوده است. ریمیک فیلمنامه‌های ایرانی جزو پدیده‌های کمیاب و نادر در سینمای ایران است و حالا «ملبورن» بعد از ۱۰ سال از پخش داخلی و بین‌المللی آن توسط توان‌نگوش، کارگردان ویتنامی بازسازی خواهد شد. پخش بین‌المللی «ملبورن»، به‌عده محمد اطیابی (مستقل‌های ایرانی) است. نیما جاویدی با ساخت فیلم «سرخ‌پوست» که دومین فیلم بلند او بود، مورد توجه منتقدان قرار گرفت.

گفت‌وگو با هارون یشایایی تهیه‌کننده قدیمی سینما

سینمای ایران مثل شعر فارسی است



رضا صائمی خبرنگار گروه فرهنگ

کافی است تا نام فیلم‌هایی مثل «اجاره‌نشین‌ها»، «هامون»، «ناخدا خورشید»، «ای ایران»، «در مسیر تندباد»، «نون و گلدون» و «کیمیا» را به یاد آوریم و آنها را به نام تهیه‌کننده‌ای به اسم «هارون یشایایی» گره بزنیم تا جایگاه و اعتبار این نام در سینمای ایران را

دریابیم. او وقتی به همراه بیژن جزئی از زندانی که به جرائم سیاسی افتاده بودند، آزاد شدند، تصمیم گرفتند کار مستندسازی را شروع کنند. بعد نوبت به تهیه ویدئوهای تبلیغاتی رسید. به عبارتی یشایایی و تعداد دیگری از آنها که همراهش شدند، بنیانگذار تیزر و آنونس تبلیغاتی در ایران بودند. بعد از انقلاب اما فعالیت‌های یشایایی به عنوان تهیه‌کننده، ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. او تعدادی از بهترین آثار سینمای ایران را تهیه کرد و نامش به عنوان یکی از خلاق‌ترین و فرهیخته‌ترین تهیه‌کنندگان سینمای ایران سر زبان‌ها افتاد. مرگ داریوش مهرجویی بهانه‌ای شد تا سراغ او که دو تا از ماندگارترین آثار مهرجویی را تهیه کرده، برویم و با او گفت‌وگو کنیم.



مصاحبه را با بادی از زنده‌یاد داریوش مهرجویی شروع کنیم. در گفت‌وگویی که من در سال ۹۷ با ایشان درباره «هامون» داشتم، می‌گفتند هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر نبود که تهیه‌کنندگی «هامون» را قبول کند. می‌گفتند این فیلم فلاش‌بک زیاد دارد و مردم فلاش‌بک دوست ندارند. چه شد که شما تهیه‌کنندگی فیلم «هامون» را پذیرفتید؟

واقعیت این است که در این ۱۵-۱۰ تا فیلمی که تهیه‌کنندگی کردم، سیاق من هیچ‌وقت این نبوده که در کار صاحب اثر مداخله کنم. من قصه را می‌خواندم و اگر آن را می‌پسندیدم به‌ویژه اگر کارگردان را می‌شناختم یا به او اعتماد می‌کردم، همکاری را آغاز می‌کردم. همواره تلاش کردم در کنار کارگردان بایستم و به او چیزی را تحمیل نکنم. این در مورد «هامون» هم همین‌روال بود. ضمن اینکه من قبلاً با مهرجویی در «اجاره‌نشین‌ها» کار کرده بودم و نسبت به او شناخت و اعتماد لازم را داشتم و در همکاری دوباره با او تردید نکردم.

همکاری با آقای مهرجویی چطور بود. چه ویژگی‌هایی در ایشان به‌عنوان فیلمساز وجود داشت که برای شما جذاب بود؟

مهرجویی نه به‌عنوان فیلمساز که به‌عنوان یک انسان، فردی صاحب‌نظر و اهل اندیشه بود. شاید برخی گمان کنند که آثار درخشان او از سر اتفاقی و تصادف شکل گرفته اما واقعیت این است که او صاحب اثر بود و کارهایی که ساخته، محصول تفکر و آگاهی‌اش بود. بسیار اهل مطالعه بود و در کار خودش اشراف و تسلط کافی داشت. یک امتیاز دیگری که خیلی در مهرجویی برجسته بود، این بود که اهل مشورت بود. این ویژگی همکاری با او را تسهیل و البته لذت‌بخش می‌کرد. اگر کسی از عوامل فیلم مثلاً درباره یک پلان و سکانس یا دیالوگی، نظر و پیشنهادی می‌داد، به آن توجه می‌کرد و نمی‌گفت من به‌عنوان کارگردان حرف آخر را می‌زنم. او به نظر دیگران گوش می‌داد و آنها را اجرامی کرد تا آن پیشنهاد را در عمل بسنجد. اگر خوب از کار در نمی‌آمد، آن وقت آن را کنار می‌گذاشت. اگر یک جایی در فیلمنامه در اجرا امکان‌پذیر نبود، آن را تغییر می‌داد تا متناسب با امکانات شود. این حسن تعامل او با دیگران، یکی از مهمترین ویژگی‌های مهرجویی بود که او را ممتاز می‌کرد.

جالب اینکه هامون یک روشنفکر فلسفه‌خوانده است و شما به‌عنوان تهیه‌کننده و آقای مهرجویی به‌عنوان کارگردان فیلم هم، فلسفه‌خوانده‌اید. شاید هیچ فیلمی در تاریخ سینمای ایران به اندازه «هامون» با فلسفه و تفکر گره نخورده باشد...

البته این مسئله را باید از سر تصادف و اتفاق دانست. اینطور نبوده که یک خودآگاهی پشت این ترکیب که شما می‌فرمایید، وجود داشته است. باین حال من هامون را محصول اندیشمند بودن فیلمساز آن می‌دانم.

باینکه فیلم به قشر خاصی از جامعه می‌پرداخت اما طیف متنوعی از مخاطبان و اقشار جامعه با آن ارتباط برقرار کردند و هنوز هم پس از سه‌دهه، نسل‌های جدید هم با فیلم ارتباط برقرار می‌کنند. شمارم این ماندگاری را در چه می‌دانید؟

به نظر من قصه «هامون»، بحران نسل جوان و روشنفکر آن زمانه بود. به‌ویژه اینکه آن زمان یک دوران انتقالی در تاریخ روشنفکری ایران هم بود. یأس و ناامیدی شدید روشنفکران به تغییرات و سرخوردگی‌های حاصل از آن که نوعی واکنش به فضای آن دوران بود و به‌نظر من یک وضعیت گذرا به این دلیل که جریان فرهنگی ملت ایران در هر شرایطی ادامه دارد و از حرکت بازمی‌ایستد. الان هم من معتقدم با وجود بحران‌هایی که وجود دارد و سرنوشت کارگردان «هامون» خود مصداق این بحران و وضعیت آشفته است اما حرکت فرهنگی ملت ایران همچنان به راه خود ادامه می‌دهد و به سکون و بن‌بست نمی‌رسد. تب و تاب‌هایی که نسل روشنفکر در کجایی و چرایی زندگی اش الان هم وجود دارد و به‌همین دلیل هامون همچنان تماشایی است.

فارغ از قصه فیلم و هنر فیلمساز باید به بازی خسرو شکیبایی در نقش هامون هم اشاره کرد که در دیده‌شدن این فیلم نقش مهمی داشت.

دقیقاً همین‌طور است. من حتی معتقدم که هامون متعلق به خسرو شکیبایی است و موفقیت آن مدیون هنر بازیگری اوست. در واقع «هامون» از آن دست فیلم‌هایی است که بازیگر بیش از کارگردان در تماشایی شدن آن تأثیر گذاشته و باعث جذب مخاطب شده است. خسرو به‌قدری این نقش را خوب بازی کرده که می‌توان گفت، هامون خود شکیبایی است. با هامون، خسرو شکیبایی شناخته‌شد و با بازی‌هایی که بعد از آن انجام داد، معلوم شد چه قابلیت‌هایی در بازیگری دارد. ما کم بازیگری داریم که بتواند به یک نقش هویت ببخشد و آن را ماندگار کند و شکیبایی به هامون، هویت و محبوبیت